

جایگاه منافع عمومی در نظام حقوق مالکیت ادبی و هنری

زهرا شاکری^۱

چکیده

حقوق مالکیت ادبی و هنری برای تشویق مؤلفان و هنرمندان در مسیر تولید آثار فاخر و مؤثر بر جریان علمی و فرهنگی به ایجاد انحصار برای صاحبان حق می‌پردازد، اما ظهور فناوری‌های جدید، ارتقای مفاهیم حقوق بشری و تغییر در بنیان‌های حقوقی موجب گردیده است که بسترهای تعدیل در انحصار شکل گرفته و جایگاه منافع عمومی در نظام حقوق مالکیت ادبی و هنری بازنگری گردد. به طور کلی، محدودیت‌ها و استثنائات سنتی در قوانین ملی حقوق مالکیت فکری در واکنش به درک نیازهای عمومی به منصفانه ظهور رسیده‌اند، اما مصادیق محدود و تفاسیر مضیق از آن‌ها، بازتاب مقتضی از نقش فعالانه جامعه در تولید آثار آتی و تأکید بر حق دسترسی جامعه ارائه نمی‌نماید. از این رو ایجاد موازنه منطقی میان نیازهای ناشی از منافع عمومی و انگیزه برای مؤلفان و هنرمندان امری حیاتی است، این مقاله با رویکرد تحلیلی - توصیفی تلاش می‌نماید ضمن مطالعه ساختار حقوق مالکیت ادبی و هنری، به مطالعه جایگاه بحث منافع عمومی و چالش‌ها و الزامات حقوقی ناشی از آن بپردازد و سرانجام پیشنهادات مقتضی را ارائه نماید.

واژگان کلیدی

حقوق مالکیت ادبی و هنری، منافع عمومی، حقوق انحصاری، مؤلفان، موازنه

۱. استادیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی (مؤسسه حقوق تطبیقی) دانشگاه تهران، تهران، ایران.

Email: zshakeri@ut.ac.ir

مقدمه

حقوق مالکیت ادبی و هنری به عنوان یکی از شاخه‌های اصلی حقوق مالکیت فکری به حمایت از آثار ادبی و هنری می‌پردازد و مؤلفان و هنرمندان این آثار از حق انحصاری بهره می‌برند که با تدبیر قانونگذاران ملی و بین‌المللی مقرر می‌شود. این حقوق انحصاری که از اقسام گوناگونی برخوردار هستند از حق تکثیر تا حق توزیع و در دسترس عموم قراردادن گسترش می‌یابد^۱ و صاحبان حق قادر هستند با تکیه بر آن‌ها از بهره‌برداری‌های جامعه ممانعت به عمل آورند. بنابراین دستیابی عمومی به آثار به کسب اجازه از مالک فکری و احتمالاً پذیرش شرایط قراردادی تحمیلی آن‌ها منجر می‌گردد، اما این دسترسی به آثار در حوزه‌های آثار علمی و فرهنگی که با تولید علم بومی و ملی در ارتباط است از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده و ضرورت استفاده از آثار مذکور را برجسته می‌نماید و یک پرسش قدیمی را مطرح می‌نماید که چرا باید مؤلفان و هنرمندان از حق انحصاری برخوردار باشند؟ بی‌تردید اغراض طراحان نظام حقوق مالکیت ادبی و هنری در راستای تدوین یک انحصار صرف در بازار آثار نیست، چه این حقوق، راهبرد کلان برای وصول به پیشرفت علمی تلقی می‌شود و این نظام باید در خدمت ارتقای علمی و فرهنگی ناشی از منافع عمومی تعریف و عملیاتی گردد و در غیر این صورت اگر قرار باشد این انحصار به انفکاک بازار و تبانی‌های گروهی و انحراف بازار اقتصادی و از سویی مانع دستیابی عمومی به محصولات فرهنگی و علمی باشد و در مسیر توسعه ملی خللی را ایجاد نماید با مقررات مرتبط با رقابت‌های مکارانه^۲ یا سایر مقررات کیفی و مسؤلیت مدنی روبرو خواهد شد.

متأسفانه در سال‌های اخیر علیرغم اهداف متعالی نظام حقوق مالکیت ادبی و هنری، مسیر این نظام با فراموش نمودن هدف خویش، به ایجاد یک نظام عظیم انحصاری برای صاحبان حق منجر شده است و اگرچه در مجموعه مقررات ملی و بین‌المللی، نمونه‌های از عنایت به اهداف عالی نظام مشاهده می‌شود و دکترین‌هایی برای تقویت آن ارائه شده است، اما هیچ کدام قادر نبوده این نظام را اصلاح نماید و سرانجام با نیروی مضاعف

صاحبان حق مغلوب شده است، اما این تنگنا که تقریباً در همه نظام‌های ملی تبلور یافته است برای برون‌رفت از این دشواری به بازنگری اساسی در نظام حقوق مالکیت ادبی و هنری نیاز دارد، چه اکنون کشورها دریافته‌اند که مسیر پیشرفت با تولید علم درهم آمیخته و تولید علم بدون تبیین نظامی متعادل که از سویی دسترسی به آثار علمی را میسر سازد و منافع عمومی را تأمین نماید و از سویی اطمینان مؤثری را برای مؤلفان فراهم نماید، امکان‌پذیر نیست. اهمیت این امر برای ایران که مطابق با آمارهای معتبر بین‌المللی بیشترین رشد علمی را در جهان کسب نموده^۳ و در بسیاری از زمینه‌های علمی و هنری با توسعه روبرو بوده است، دوچندان تلقی می‌شود چه ایران باید از سویی ضمن حمایت از صاحبان حق و ایجاد انگیزه برای ایجاد آثار جدید و جریان‌ساز، با فراهم آوردن امکان دسترسی به آثار برای جامعه، حیات علمی خویش را در مسیر شگرف تاریخی‌اش به اوج رساند. از طرف دیگر از آنجا که ایران در آینده با تعهدات بین‌المللی در حوزه حقوق مالکیت ادبی و هنری مواجه می‌شود^۴، بازنگری در نظام کنونی و ایجاد مسیری برای موازنه از اهمیت برخوردار است، البته در این میان صرف تصویب قانون جدید حقوق مالکیت ادبی و هنری، یک بازنگری اساسی به شمار نمی‌آید، بلکه مراد در این مقاله، ایجاد رویه‌ای مؤثر برای استفاده از آثار علمی و فرهنگی در مسیر پیشرفت ایران اسلامی است. بنابراین سؤال این مقاله آن است که چرا نظام حقوق مالکیت ادبی و هنری به بازنگری نیاز دارد؟ همچنین، فرضیه، آن است که بی‌تردید بازنگری نظام موجود یک واقعیت تخلف‌ناپذیر است که باید با تجویز قواعد، مقررات و دکترین‌های الزام‌آور که هدف آن‌ها پیشرفت علمی و رفاه اجتماعی است به سرمنزل دست یابد.

مقاله اخیر در سه گفتار به بررسی این مسیر خواهد پرداخت. بنابراین در گفتار نخست، محدودیت‌ها و استثنائات به عنوان روزه‌ای برای منافع عمومی، در گفتار دوم، منافع عمومی و مطالباتی جدید و در گفتار سوم، تدابیری برای تثبیت منافع عمومی مطالعه می‌گردد.

الف: محدودیت‌ها و استثنائات، روزه‌ای برای منافع عمومی

معمولاً به طور سنتی در قوانین ملی و بین‌المللی، چند مقرر در خصوص محدودیت‌ها و استثنائات وارد بر حقوق مالکیت ادبی و هنری پیش‌بینی می‌شود که شامل نقل قول، بهره‌برداری‌های آموزشی، استفاده‌های کتابخانه‌ای و نسخه‌برداری شخصی است. کیفیت و کمیت این مقررات از قانونی به قانون دیگر با تفاوت روبرو است چنانچه موضوع نقل قول در بعضی قوانین، آثار انتشاریافته^۵ و در بعضی دیگر آثاری است که به طور قانونی در دسترس عموم قرار می‌گیرد^۶ یا بهره‌برداری آموزشی در بعضی قوانین مشتمل بر آموزش‌های حضوری است^۷، ولی ممکن است به آموزش‌های غیر حضوری نیز تسری یابد. این تفاوت‌ها با عنایت به رویکرد نظام‌های حقوقی تعیین می‌شوند و معمولاً بر اساس گرایش‌های سنتی مؤلف‌محور یا اقتصادمحور عمل می‌نمایند، اما با این وجود، یک اجماع جهانی وجود دارد که بعضی آثار از قلمرو حمایت خارج شوند (مانند متون رسمی) یا بعضی موارد بهره‌برداری توسط جامعه، نقض حق تلقی نشود (مانند بهره‌برداری‌های آموزشی) یا استفاده از اثر دیگری با پرداخت مابه‌ازائی میسر می‌شود، این موارد، «محدودیت‌ها و استثنائات»^۸ وارد بر حقوق مالکیت ادبی و هنری را شکل می‌دهند و آن‌ها را در خدمت منافع عمومی قرار می‌دهد تا جامعه بی‌هیچ واهمه‌ای به بهره‌برداری از اثر دیگران بپردازد^۹، به عبارت دیگر، مقررات مربوط به محدودیت‌ها و استثنائات، جزایر آزادی هستند که در اقیانوس حقوق انحصاری قرار دارند. (گایگر، ۲۰۰۴ م.) در مقاله اخیر تلاش خواهد شد که بر ظهور منافع عمومی جدید تأکید گردد که قصد دارند بسیار فراتر از منافع عمومی سنتی حرکت نمایند، در این شرایط جامعه تمایل دارد که از جزایر خود خارج شود و به اقیانوس بپیوندد، لذا این تمایل می‌تواند به تحولی اساسی در نظام حقوق مالکیت ادبی و هنری منجر شود و مسیر سنتی نظام را با استحاله روبرو نماید. در نظام حقوق مالکیت ادبی و هنری، جامعه دو نقش را ایفا می‌نماید: دریافت اثر و تولید اثر در آینده. این دو نقش در پی آن است که پیشرفت علم را ترویج نمایند، اما آیا نظام حقوق مالکیت ادبی و هنری این اهداف عالی را درک می‌نماید؟ آیا ضرورتی

جهت بررسی نقش منافع عمومی وجود دارد؟ و منافع عمومی چگونه می‌توانند به نظام نزدیک شوند؟ به راستی چگونه بین منافع عمومی و حقوق مالکیت ادبی و هنری فاصله ایجاد می‌شود؟ به طور کلی، بعضی از اعضای جامعه هیچ‌گاه با نظام حقوق مالکیت ادبی و هنری رو در رو نمی‌شوند و شاید اساساً نیز استعداد و قریحه‌ای برای خلق آثار نداشته باشند، اما بعضی از شهروندان صاحب قریحه که به دنبال ایجاد نوآوری هستند، به نبرد با نظام حقوق مالکیت ادبی و هنری خواهند رفت، در این شرایط شهروندان اخیر، دو عمل مصرف و ابداع را انجام می‌دهد و همین مصرف و تولید است که منجر به زایش نظام حقوق مالکیت ادبی و هنری می‌شود. از این رو موقعیت نظام بسته به آن است که گستره قواعدش، اجازه تولید و خلق را بدهد؟ (چه میزانی از مقررات اجازه خلق را می‌دهند؟) و این پرسش مطرح است که چه گستره‌ای از آزادی فراروی جامعه قرار می‌گیرد. (کوهن، ۲۰۰۵ م.)

از سویی، حقوق مالکیت ادبی و هنری در خلأ مفهومی ندارد و حق انحصاری مؤلف در جامعه اعمال می‌شود و مؤلف با عنایت به شرایط بازار، حق خود را اعمال می‌کند، لذا مؤلف با ملاحظه حقوق رقابت و مصرف‌کننده و نیم‌نگاهی به جامعه در میدان گام می‌نهد. در این میان، نظام حقوق مالکیت ادبی و هنری برای مهار جریان عنان‌گسیخته تعدیل قلمرو خود، معیارهای را ارائه می‌نماید تا تغییرات در چارچوب مشخصی روی دهد. در این راستا، برای نخستین بار در کنوانسیون برن، الگویی برای بهره‌برداری‌های مبتنی بر منافع عمومی تبیین می‌شود. به عبارت دیگر جامعه هنگامی می‌تواند به استفاده از اثر دیگری بپردازد که معیار قانونی رعایت شده باشد. این معیار در کنوانسیون حقوقی برن در ماده (۲) ۹ تبلور یافته است و به موجب آن، برای قانونگذاران کشورهای عضو اتحادیه اختیار اعطای اجازه تکثیر این آثار در موارد خاص [و] مشخص محفوظ است، مشروط بر این‌که چنین تکثیری با بهره‌برداری عادی از اثر در تعارض نباشد و به منافع قانونی پدیدآورنده زیان غیر معقولی (غیر موجه) وارد نسازد. به این ترتیب، استثنا وارد بر حق تکثیر از سه گام^{۱۰} ذیل برخوردار است و باید:

۱- خاص و مشخص باشند؛

۲- با بهره‌برداری عادی از اثر در تعارض نباشد؛

۳- به منافع قانونی پدیدآورنده زیان غیرمعقولی (غیر موجه) وارد نسازد.

این ماده بر محور حقوق انحصاری پدیدآورنده طراحی شده است و بهره‌برداری‌های عمومی تنها در شرایطی تجویز می‌گردد که در دایره بهره‌برداری‌های عادی پدیدآورنده قرار نگیرد و به منافع قانونی وی زیان غیر معقولی را وارد نسازد. مقرر اخیر در سایر معاهدات بین‌المللی نیز تکرار می‌گردد. چنانچه به موجب ماده ۱۳ موافقت‌نامه جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت فکری (تریپس)، اعضا باید محدودیت‌ها و استثنائات وارد بر حقوق انحصاری را در موارد مشخص [و] خاص که با بهره‌برداری از اثر در تعارض نیست و لطمه غیر معقولی به منافع قانونی ذی حق نمی‌رساند، اعمال کنند، این ماده اگرچه به جهت تسری به همه حقوق انحصاری و سایر صاحبان حق مالکیت فکری، تفاوت‌هایی با مقرر کنوانسیون برن دارد، اما بر تمرکز صاحبان حق در معیار تأکید می‌ورزد. این گرایش در تفسیر پنا سازمان تجارت جهانی نیز قابل مشاهده است^{۱۱} (۲۰۰۰ م.) و در آنجا بر عدم بهره‌برداری‌های که منجر به رقابت با صاحب حق شود و وی را از درآمدش محروم نماید یا بر آن تأثیر بگذارد یا حقوق معنوی وی را در هاله‌ای از ابهام قرار دهد، (گینزبرگ، ۲۰۰۱ م.) تصریح می‌شود.^{۱۲}

بنابراین، به طور معمول در دعاوی که به محدودیت‌ها و استثنائات وارد بر حقوق انحصاری استناد می‌نمایند تفاسیر ارائه‌شده از معیار سه گام به سود مؤلف یا صاحب حق رقم خواهد خورد. این امر در کشورهایی که دیدگاه‌های مؤلف‌محور دارند، به وضوح قابل مشاهده است، چنانچه در فرانسه که خاستگاه دکترین‌های شخص‌محور در حقوق مالکیت فکری است هنگامی که با پرونده‌هایی روبرو می‌شوند که یکی از شهروندان در تعقیب استناد به استثنائات در محیط‌های دیجیتال هستند با تفسیر مضیق معیار، دسترسی وی در شرایط جدید را غیر ممکن تلقی می‌نماید. (پرونده مال هالند درایو، ۲۰۰۵ م.) بنابراین

در رویارویی منافع عمومی و نظام حقوقی، این پرسش مطرح است که منافع عمومی چگونه می‌توانند جایگاه متقنی را در نظام حقوق مالکیت ادبی و هنری کسب نماید.

ب: منافع عمومی و مطالباتی جدید

اکنون، منافع عمومی مانند گذشته به جایگاهی در قالب محدودیت‌ها و استثنائات بسنده نمی‌نمایند و در تعقیب مرتبه‌ای ممتاز در نظام حقوقی هستند. از این رو در این گفتار به مواردی از بهره‌برداری پرداخته می‌شود که مطالبات جامعه فراتر از نظام سنتی حقوق مالکیت ادبی و هنری خواهد بود.

۱- نسخه‌برداری‌های نوین

نسخه‌برداری شخصی، یکی از شایع‌ترین اقسام بهره‌برداری از اثر را تشکیل می‌دهد که توسط مصرف‌کنندگان سنتی انجام می‌گرفته است چنانچه به طور مثال ماده (ب) (۲) ۵ دستورالعمل اروپا تصریح می‌نماید که این بهره‌برداری باید توسط شخص حقیقی صورت گیرد و اهداف تجاری نباید چه به طور مستقیم یا غیر مستقیم در آن به منصف ظهور رسند، اما اکنون مصرف‌کنندگانی مطرح هستند که در پرتو نسخه‌برداری شخصی در جستجوی اهداف دیگری نیز می‌باشند، یکی از این اهداف، انتقال زمانی اثر^{۱۳} است. به گونه‌ای که کاربر، اثر را ضبط می‌کند تا بعداً آن را مشاهده نماید یا گوش دهد و این مورد مانند آن فرایندی است که در دستگاه‌های ویدیو سی‌دی روی می‌دهد، اما همواره این امر محتمل است که کاربر، برنامه را چندین مرتبه تماشا کند و این در حالی است که نسخه‌ای از اثر را ذخیره نموده، در این شرایط پرسش مهم آن است که آیا این شیوه در قلمرو سنتی استثنائات نظام حقوق مالکیت ادبی و هنری قرار می‌گیرد؟ این شیوه ابتدائاً در خصوص دستگاه‌های ویدیو^{۱۴} دهه هشتاد میلادی مطرح شد، دستگاه‌های ساده‌ای که امکان نمایش و تکرار را فراهم می‌آوردند و منشاء دعاوی متعددی گردیدند، (پرونده شرکت سونی علیه استودیو شهر، ۱۹۸۴ م.) اما این شیوه از آنجا که عمدتاً در منزل و با اهداف غیر انتفاعی صورت می‌گیرد، در قلمرو استثنائات (شاید نسخه‌برداری شخصی یا خصوصی)

قرار دارد، مانند قانون حقوق مالکیت ادبی و هنری استرالیا^{۱۵} که اشعار می‌دارد، استفاده‌های ناشی از انتقال زمانی را به شرط آنکه این نسخه‌برداری موقتی باشد، نسخه‌برداری مجددی انجام نشود، نسخه تنها در خانه اجرا شود و امانت آن تنها بین اعضای خانواده یا مستخدمین (اهالی خانه) انجام شود، مجاز می‌داند و بیع، اجاره و... نسخه را به قصد تجاری یا قصددیگر غیر قانونی تلقی می‌نماید، (ساموئلسون، ۱۸۷۵ م.) اما حقیقت آن است که این شیوه تهدیدی علیه بازار بالقوه صاحب حق تلقی می‌شود چه کاربر با ذخیره اثر و تکرار نمایش آن، نیازی به خرید یا اجاره یا هر معامله دیگری با صاحب حق ندارد، لذا این استفاده، غیر تجاری نیست و شاید بتوان گفت این امر هنگامی غیر تجاری می‌شود که سرقت جواهرات، غیر تجاری تلقی شود. (پرونده شرکت سونی علیه استودیو شهر، ۱۹۸۴ م.)

علاوه بر فناوری‌های مذکور، اکنون، دستگاه‌های جدیدی^{۱۶} به بازار ارائه شده است که با استفاده از آن، کاربر قادر است به بازپخش برنامه‌های تلویزیونی بپردازد. این دستگاه‌ها برای مصرف‌کنندگان بسیار جذاب بوده چه از سیستم ذخیره دیجیتال برخوردارند و قادر هستند حجم گسترده‌ای از برنامه‌ها را ذخیره نمایند. به این ترتیب در شرایط جدید، نیروی کاربر با دستگاه چندبرابر می‌شود، او حتی می‌تواند برنامه‌های مطلوب خود را جهت ذخیره انتخاب کند و حتی در بعضی موارد، دستگاه بر اساس آنچه کاربر در گذشته ذخیره نموده، ذائقه مخاطب را درک و برنامه مورد علاقه را ذخیره می‌کند و این امکانات تا جایی است که کاربر می‌تواند از گزینه‌های مکث یا بازپخش برنامه‌های زنده (و یا پرش از آگهی بازرگانی و...) نیز استفاده نماید. نکته مهم در فناوری‌های جدید آن است که آن‌ها با امکاناتی که دارند عملاً در اثر دخالت نموده و حتی می‌توانند از طریق اینترنت آن را منتشر نمایند، لذا این مورد قادر است به منافع صاحب حق آسیب غیر معقولی وارد نموده و او را از بازارهای اثرش محروم نماید. (پرونده شرکت فیلم‌سازی پارموت علیه تی وی ریپلای، ۲۰۰۴ م.) در این میان، به نظر می‌رسد اگر نسخه اصلی به طور قانونی به دست آمده باشد و نسخه کپی پس از تماشا یا شنیدن حذف شود، مؤلف یا صاحب

حق آسیب جدی را متحمل نمی‌گردد. البته وضع نظام مالیاتی بر این دستگاه‌ها نیز مفید تلقی می‌شود و به وسیله آن از همان ابتدا، با پرداخت وجوهی در قالب مالیات موازنه شکل می‌گیرد و زیان‌های وارد بر منافع قانونی مؤلف جبران می‌گردد و منافع عمومی نیز تأمین می‌شود.

علاوه بر نمونه‌های مذکور، نیروی کاربران در نسخه‌برداری با بعضی نرم‌افزارها رو به افزایش است و این امر در شرایطی است که کاربرد این نرم‌افزارها به نسخه‌برداری صرف محدود نمی‌شود و به سایر حقوق انحصاری به ویژه حق معنوی ورود می‌نماید به طور مثال، کاربر می‌تواند با تکیه بر این نرم‌افزارها به ویرایش فیلم‌ها بپردازد^{۱۷}، در این شیوه کاربر می‌تواند صحنه‌های خشونت‌آمیز یا خلاف اخلاق را حذف نماید. این اختیار کاربر موجب می‌شود که حق حرمت مؤلف نقض گردد چه کاربر می‌تواند در اثر دخل و تصرف نماید در تحلیل فناوری اخیر باید گفت اگر کاربری از طریق این ابزار بتواند فیلم را ویرایش نماید تا قابلیت استفاده از اثر در محیط خانواده فراهم آید. این امر لطمه غیر معقولی را به منافع مؤلف وارد نمی‌نماید چه این استفاده غیر انتفاعی و در جهت پسندیده‌ای از دیدگاه اجتماعی و فرهنگی می‌باشد، اما اگر کاربر بخواهد این اثر را روانه بازار نماید، امکان تجاوز به حق مالکیت ادبی و هنری قابل مطالعه است. از این رو در برخی کشورها قوانینی وضع می‌گردد که به موجب آن، کاربر هنگامی از حق ویرایش برخوردار می‌باشد که هیچ نسخه دائمی و ثابتی از اثر را ذخیره ننماید، مانند قانون فیلم خانودگی ۲۰۰۵ آمریکا.^{۱۸} علاوه بر انتقال زمانی اثر، در انتقال مکانی^{۱۹}، کاربر می‌تواند فایل اثر را به محیطی غیر از محیط اولیه انتقال دهد، چنانچه یک فیلم را که بر سی‌دی ذخیره شده به دی‌وی‌دی انتقال دهد، این روش از آنجا که به تغییر فرمت اثر منجر می‌شود با حقوق انحصاری صاحب حق در چالش قرار می‌گیرد، اما به نظر می‌رسد اگر این انتقال فرمت تنها برای استفاده شخصی باشد، آسیب غیر معقولی به مؤلف وارد نمی‌شود و مشکل در جایی است که مصرف‌کنندگان حرفه‌ای با این رویکرد قصد عرضه گسترده اثر را داشته باشند و در این شرایط است که این چالش برجسته می‌گردد. به این ترتیب، اکنون نظام

حقوق مالکیت ادبی و هنری با گروه‌هایی از شهروندان روبرو می‌شود که علاوه بر نسخه‌برداری شخصی، قصد دارند با تکیه بر فناوری‌های جدید، به سایر حقوق انحصاری نیز ورود نمایند، بی‌تردید نمی‌توان مسیر تولید فناوری‌های جدید را متوقف نمود و علم با جریان پر شتاب خود پیش می‌رود و این نظام حقوقی است که باید با جوشش خویش چالش‌های ناشی از منافع عمومی را حل نموده و جامعه را در دعوی نقض حقوق مالکیت فکری به توفیق رساند.

۲- اشتراک‌گذاری آثار

در این وضعیت، اثر در یک شبکه رایانه‌ای در دسترس قرار می‌گیرد و نسخه‌برداری‌هایی در رایانه دریافت‌کنندگان به وقوع می‌پیوندد. اتصال همراه به همراه به اتصال میان دو یا چند رایانه به صورت مجزا می‌گویند که هر دو آن‌ها از طریق اتصال به اینترنت به یکدیگر متصل می‌شوند و می‌توانند اطلاعات شخصی خود را با بهترین سرعت و امنیت به یکدیگر منتقل نمایند. بسیاری از کاربران اینترنت که از سرعت اتصال به اینترنت بالایی برخوردارند، خصوصاً در کشورهای پیشرفته، اطلاعاتی مانند عکس، فیلم، موسیقی، بازی و... را که در رایانه خود دارند، از طریق این اتصال به اصطلاح اشتراک‌سازی^{۲۰} می‌کنند. یعنی استفاده از آن‌ها و حتی دانلودکردن آن‌ها را از طریق برنامه‌های اشتراک‌سازی همراه به همراه آزاد می‌گذارند، لذا کاربر می‌تواند با استفاده از این اتصال پرکاربرد علاوه بر مطالب و فایل‌هایی که درون اینترنت (سرورها) است به اطلاعات تک‌تک رایانه‌هایی که از این گونه نرم‌افزارها استفاده می‌کنند دسترسی پیدا کند و یا حتی خود می‌تواند یک فایل را از این طریق به اشتراک بگذارد تا دیگران بتوانند به آن دسترسی پیدا کنند! در این طریق، کاربر اصولاً از نرم‌افزاری استفاده می‌کند که توسط آن به رایانه‌های دیگر که همزمان از همان نرم‌افزار استفاده می‌کنند متصل می‌شود. همه این رایانه‌ها متصل به یک کاربر معمولی هستند که به هر کدام از آن‌ها همراه^{۲۱} گفته می‌شود. اکنون، این گروه از مصرف‌کنندگان جدید با استناد به حق دسترسی به اینترنت به عنوان یکی از حقوق بشر در طلب قانونی‌بودن اشتراک‌سازی هستند و برخی از دانشمندان نیز این

تمایل کاربران را تأیید می‌نماید. (بونیدیو، ۲۰۱۱ م.) چالش اشتراک‌سازی در نظام حقوق مالکیت ادبی و هنری متنوع است. ولی آنچه که در مجال مقاله اخیر قابل ذکر به نظر می‌رسد آن است که در این رویکرد، اثر بدون اجازه صاحب حق مورد استفاده قرار می‌گیرد، دانلود و آپلود می‌شود و شاید به قلمرو حقوق معنوی نیز تعدی گردد. در بعضی کشورها، نظر مساعدی نسبت به اشتراک‌سازی وجود ندارد (مانند آمریکا^{۲۲}) و یا برخی دانشمندان (پکرت، ۲۰۰۹ م.) معتقد هستند که اشتراک‌سازی برخلاف معیار سه گام تلقی می‌شود، اما با این وجود، فناوری اشتراک‌سازی نیز مانند انتقال زمانی و مکانی اثر، به عنوان یک پدیده نوظهور و خلاقانه تلقی می‌شود که خارج از اراده صاحبان حق شکل گرفته و رونق یافته است.

به نظر می‌رسد استفاده‌های غیر تجاری از اشتراک‌سازی مانند انتقال اثر مجاز است و در چارچوب معیار سه گام قابل تحلیل می‌باشد چه غیر تجاری بودن، عملاً مسأله تعارض با بهره‌برداری عادی از اثر را منتفی می‌نماید و آسیب غیر معقولی را به صاحب حق وارد نمی‌نماید. با این وجود باید توجه داشت که ارائه دیدگاه در خصوص اشتراک‌سازی به سادگی امکان‌پذیر نیست، زیرا اعمال گام نخست معیار با دشواری روبرو است چه در این شبکه‌ها تقریباً همه نوع اثری به اشتراک قرار داده می‌شود، لذا حداقل از لحاظ کمیت بسیار گسترده ارزیابی می‌گردد و حتی ممکن است مرتباً بر تعداد کاربران افزوده شود. از سویی اگرچه با طرح استفاده‌های غیر تجاری ممکن است مشکلات کم‌رنگ‌تر به نظر آید، اما این روش قادر است با بهره‌برداری عادی از اثر نیز در تعارض قرار گیرد، زیرا که اکنون، یکی از منابع مهم درآمدی صاحبان حقوق مالکیت فکری، مبالغی است که از کاربران محیط مجازی دریافت می‌نمایند. به عبارت دیگر تعریف چنین استثنائی، صاحبان حق را از یکی از منابع درآمدی مهم که رو به افزایش است محروم می‌سازد. در این میان، پیشنهاد تبیین نظام مالیاتی نیز مانند انتقال اثر روی میز قرار دارد و به وسیله آن می‌توان حداقل مشکلات ناشی از لطمه به حقوق مادی را جبران نمود. علاوه بر این

برای کاهش آسیب به حقوق معنوی نیز باید آثاری را مورد نظر قرار داد که در گذشته افشا شده باشند.

۳- بهره‌برداری‌های معلولان

چهره دیگری از منافع عمومی جدید را می‌توان در مطالبات گروهی از شهروندان دارای معلولیت جستجو نمود، این گروه از افراد جامعه، دسترسی خود به اثر را از زمره حقوق بشر تلقی می‌نمایند. چنانچه اتحادیه جهانی نابینایان طی بیانیه‌ای^{۲۳} که چشم‌انداز آتی آنان را روشن می‌کند بر حق قاطع خود تصریح می‌نماید و اشعار می‌دارد: اتحادیه بر این باور است که در دهه اطلاعات، دسترسی به اطلاعات از زمره حقوق بشر است که افراد بایستی به طور برابر به آن دست یابند. این گروه از شهروندان، نسخه‌برداری، تغییر فرمت، تبدیل به خط بریل یا صوت یا سی‌دی (یا دی‌وی‌دی)، تغییر در رنگ یا فونت و... را حق قانونی خود می‌دانند و این همان امری است که باید توسط صاحب حق مجاز شمرده شود یا در قلمرو استثنائات وارد بر حقوق مالکیت ادبی و هنری قرار گیرد، لذا این پرسش مطرح است که این چالش بر خواسته از حقوق بشر و حقوق مالکیت ادبی و هنری چگونه حل می‌گردد؟ باید توجه نمود اگرچه معلولان درصد کوچکی از جامعه هستند و بازار آثار استحاله‌یافته برای آنان چندان گسترده نیست، اما امروز بسیاری از شرکت‌های بزرگ نرم‌افزاری یا غیر نرم‌افزاری تلاش می‌نمایند، بر مبنای نیاز معلولان، کسب درآمد نمایند، لذا به نظر می‌آید این امر دال بر وجود بستر مناسب اقتصادی در این حوزه بوده و از سویی، این امکان وجود دارد که صاحبان حق، به جهت ورود گسترده معلولان در دایره خط قرمز آنان، خواهان مابه‌ازای بیشتری باشند. برای حل این چالش، اتحادیه جهانی نابینایان، پیشنهاد می‌نماید که استفاده معلولان در چارچوب استثنائات و محدودیت‌ها تبیین شود! اما آیا به راستی این پیشنهاد منطقی است؟

به نظر می‌رسد حقیقت آن است که مسأله معلولان، از حوزه‌های است که صرف نظر از جنبه‌های اخلاقی، ملاحظات حمایتی حقوقی را نیز می‌طلبد، اما باید توجه نمود، استثنائات به سود آنان، اگرچه به گروه خاصی از کاربران محدود می‌شود، اما با تأثیر بر

افکار عمومی، آن را به مسأله‌ای ناشی از منافع عمومی مبدل می‌نماید، همچنین از سویی وضع استثنا به سود معلولان، می‌تواند گستره قابل توجهی از آثار و انواع مختلفی از بهره‌برداری‌ها را پوشش دهد، لذا تدوین هر مقرره‌ای باید با عنایت به ملاحظات مرتبط صورت پذیرد. بنابراین تعریف روشن و مضیق‌سازی این استثنائات به استقرار گام اول معیار سه گام می‌انجامد به طور مثال می‌توان اشاره نمود، استثنا، به مؤسسه‌ای که معلولان را نگهداری می‌کند یا آموزش می‌دهد محدود شود، اما به نظر می‌رسد چالش اصلی در گام دوم است چه چنین استفاده‌هایی به طور بالقوه با بهره‌برداری معمولی از اثر در تعارض است و مؤلفان می‌توانند انتظار داشته باشند که درآمد قابل ملاحظه‌ای را در این زمینه به دست آورند، لذا این نکته ضروری است که بین نیازهای واقعی افراد معلول و منافع اقتصادی مؤلفان در بهره‌برداری از اثر یک موازنه ایجاد شود و مواردی از بهره‌برداری که در قلمرو بهره‌برداری معمولی قرار نمی‌گیرد شناسایی شود. سرانجام آنکه، مسأله لطمه غیر معقول نیز به بررسی نیاز دارد و به نظر می‌رسد این مورد از زمره استثنائاتی باشد که با پرداخت مابه‌ازای عادلانه به جای استفاده آزاد حل می‌گردد، امری که می‌تواند با دریافت یارانه‌های دولتی به سود معلولان به سرمنزل مقصود دست یابد. البته رعایت حرمت نام و حق افشا نیز در راستای ایجاد موازنه منطقی، مفید ارزیابی می‌شود.

تشریح

ج: تدابیری برای تثبیت منافع عمومی

در این گفتار تلاش می‌شود، پیشنهادهایی برای ایجاد موازنه در نظام حقوقی و تثبیت جایگاه منافع عمومی در آن مطرح گردد.

۱- بازگشت به حقوق مصرف‌کننده

در برابر انحصار مضاعف صاحبان حق، یکی از مهم‌ترین تدابیر برای تحکیم جایگاه منافع عمومی، تمسک به حقوق مصرف‌کننده است، چه این شاخه از حقوق، حقوق مصرف‌کنندگان است و اساساً برای کاربران تعریف و تبیین شده است، در این شاخه

تأکید می‌گردد که مصرف‌کننده خریدار یا تولیدکننده حرفه‌ای نیست، لذا حقوق مصرف‌کننده، حقوقی است که از انتظارات معقول مصرف‌کننده حمایت می‌کند تا آن‌ها از کالاها و خدمات بهره ببرند، اما از سویی، وی عنصر فعال بازار تلقی می‌شود و توسعه بازار به وی بستگی دارد. بنابراین حقوق مصرف‌کننده به حمایت از حق انتخاب می‌پردازد (خرید آنچه شما می‌خواهید یا جایی که شما می‌خواهید).^{۲۴} از این رو در سیاست‌های برخی کشورها تأکید می‌گردد که جهت‌گیری آتی سیاست‌های مربوط به مصرف‌کنندگان باید به گونه‌ای باشد که دسترسی مصرف‌کنندگان به انواع متفاوت محصولات فرهنگی را تضمین نماید و این امر با عنایت به محدودیت‌ها و استثنائات وارد بر حقوق مالکیت ادبی و هنری تحقق خواهد یافت. بنابراین، حقوق مصرف‌کننده با مطالعه انتظارات معقول مصرف‌کنندگان، تلاش می‌نماید محدودیت‌ها و استثنائات را تعیین نماید. در این راستا یک مصرف‌کننده انتظار دارد که یک فیلم را تماشا نماید یا کتاب را بخواند، اما انتظار وی قابل ارتقا است تا جایی که منجر به نسخه‌برداری شود. سرانجام آنکه پاسخ به این پرسش که آیا یک مصرف‌کننده می‌تواند انتظار داشته باشد که نسخه‌برداری کند؟ به گستردگی به هر مورد بستگی دارد (ویژگی کالا، قیمت، تبلیغات و...) و در این میان قواعد حقوق مالکیت ادبی و هنری در خصوص نسخه‌برداری (مانند نسخه‌برداری غیر تجاری یا با اهداف کتابخانه‌ای) تأثیرگذار است.

از سوی دیگر مطابق با اصول کلی حقوق مصرف‌کننده، مصرف‌کننده‌ای که محصول بدون کیفیت یا معیوب را دریافت می‌کند می‌تواند از گزینه خیار فسخ، ارش (و...) بهره جوید، حال اگر تدابیر فنی مانع اعمال استثنائاتی مانند نسخه‌برداری شود این امر سبب خواهد شد که کالا معیوب باشد (معیب یا ناقص) و مصرف‌کننده بتواند تقاضای حذف تدابیر یا دریافت نسخه جدید محصول را بدون اعمال تدابیر نماید؟ و اگر این امر میسر نشود (یا با هزینه گزافی صورت گیرد) امکان کاهش قیمت یا استرداد محصول قابل بررسی است؟ (جبران خسارت هم می‌تواند باشد).

۲- تفسیر غائی از حقوق مالکیت ادبی و هنری

در شرایط کنونی، اصل حقوق انحصاری مؤلفان و هنرمندان به عنوان ضرورت تخلف‌ناپذیر پذیرفته شده است و تفسیرهای قضائی نیز بر همین پایه است. در حالی که اگر حقوق انحصاری جزیره‌ای در اقیانوس آزادی باشد این بدان معناست که حرکت آزاد کالاها و خدمات، یک اصل است و حق انحصاری مالکان اخیر یک استثنا است و مقررات مربوط به استثنائات وارد بر حق انحصاری، بازگشت به اصل آزادی خواهد بود. از سویی، اگر پذیرفته شود که هدف نظام حقوق مالکیت ادبی و هنری، تولید و گسترش جریان علمی است، آن هنگام تفسیر ناشی از نظام با دگرگونی روبرو می‌شود. بنابراین در شرایط کنونی، نظام حقوق مالکیت ادبی و هنری به یک تفسیر غایی در پرتو تأمین منافع عمومی نیاز دارد.

۳- به رسمیت شناختن حقی برای جامعه

به طور کلی در شرایط کنونی، اگر مصرف‌کننده‌ای بتواند حق مالکیت و حق انتفاع (یا احیاناً اذن) را از صاحب حق دریافت نماید، بدون هیچ واژه‌ای در عرصه استفاده از اثر ادبی و هنری عمل خواهد کرد. به عبارت دیگر، مصرف‌کننده باید جهت تأمین یک دسترسی امن در تعقیب انعقاد بیع یا دریافت مجوز بهره‌برداری (یا شاید سایر طرق انتقال حق) باشد تا به واسطه این اجازه متقن از صاحب حق به اثر دست یابد و در غیر این صورت، صاحب حق با لحاظ نیروی فنی و حقوقی، عملاً بر مقررات مربوط به استثنائات حاکم است و آن‌ها را در کنترل دارد. در این میان، این دغدغه مطرح است که آیا مقررات مربوط به استثنائات، نویددهنده‌ای به سوی یک حق رسمی برای جامعه نیستند؟ اگر پاسخ این پرسش مثبت باشد، بی‌تردید، از آنجا که هر حقی با تکلیفی قرین است، صاحب حق قادر نیست برخلاف آن با مصرف‌کننده توافق نماید و از سویی مقررنمودن قراردادی برخلاف این مقررات با ضمانت اجرای حقوقی یا بعضاً کیفری روبرو می‌شود، اما حقیقت آن است که مقررات مربوط به استثنائات با تکلیفی برای صاحب حق همراه نیستند و معمولاً قانونگذاران در خصوص توافق بر خلاف آن‌ها سکوت

نموده و راه را برای چنین قراردادی می‌گشایند. بنابراین در این موارد مصرف‌کننده دارای یک انحصار یا سلطه بر اثر نیست و دیگران تعهدی برای احترام به او ندارند، لذا به نظر می‌رسد بحث حق‌بودن استثنائات منتفی است. از این رو به نظر می‌رسد در شرایط کنونی، مصرف‌کننده تنها از یک امتیاز برخوردار هستند، امتیازی که تکلیفی در برابر آن نیست.

در نظام حقوقی آمریکا که معیار اصلی استثنائات آن، استفاده منصفانه^{۲۵} است، این معیار تنها به میزان یک دفاع در دعاوی نقض حق از ارزش برخوردار است. به عبارت دیگر اگر خواننده در این دفاع توفیق یابد از مسؤولیت معاف می‌شود. بنابراین در این دعاوی، اساساً بهره‌برداری از اثر دیگری، یک تقصیر (یا جرم) به شمار می‌آید و بار اثبات استفاده منصفانه بر دوش مدعی آن خواهد بود، با این وجود چندسالی است که این دیدگاه مطرح شده که صاحب حق باید اثبات نماید یک استفاده، منصفانه نیست. (پرونده انجمن آزمون ورودی علیه کومو، ۱۹۹۲ م.) همین رویکرد در برخی پرونده‌های دیگر نیز ارائه شده و از حق استفاده منصفانه سخن به میان آمده است. (پرونده بتامان علیه نیمونکس، ۱۹۹۶ م.) علاوه بر موارد فوق، اکنون، دکترین جدیدی مطرح است که در نظام حقوق مالکیت ادبی و هنری به خلق یک حق جمعی (سان، ۲۰۱۱ م.) نیاز است و این بدان معناست که قانونگذار و نظام قضائی در نظام حقوقی مالکیت ادبی و هنری تنها با منافع مصرف‌کنندگان فردی روبرو نیستند، بلکه اثر برای یک کل به نام جامعه ایجاد می‌شود و هدف نیز ارتقای علم و فرهنگ آن است. بنابراین به موازات حق مؤلفان و هنرمندان، حق جمعی نیز ظهور می‌یابد و مقامات صالح باید تلاش نمایند که موازنه منطقی را بین این دو برقرار نمایند.

۴- استناد به مبانی فقهی

به طور کلی ظهور حقوق مالکیت فکری در جهان جدید با پذیرش ساده و بدون چالش فقه‌های اسلامی روبرو نبوده است و اگرچه اکنون دیدگاه‌های مساعدی در موافقت آن مطرح گردیده، اما هنوز نیز گروهی از فقها بر عدم شرعی‌بودن حقوق انحصاری ناشی

از حقوق مالکیت فکری اصرار دارند. از این رو این دیدگاه‌های مخالف قادر هستند زمینه به رسمیت‌شناختن حقوق مصرف‌کنندگان را تقویت نماید. در مبانی فقهی و حقوقی، بهره‌برداری جامعه از اثر مطابق با اصل تسلیط بر اموال تلقی می‌شود (الناس مسلطون علی اموالهم؛ مردم بر اموال خود تسلط دارند)، لذا با انتقال مصداقی از اثر به مصرف‌کننده، وی می‌تواند به انواع بهره‌برداری پیرامون آن بپردازد و این نکته‌ای که در دیدگاه‌های گروهی از دانشمندان حقوق اسلامی مورد تأکید قرار گرفته است،^{۲۶} با این وجود، حاکم اسلامی از این اختیار برخوردار است که به ایجاد انحصار اقدام نماید،^{۲۷} لذا در این دیدگاه و دیدگاه‌های مشابه که مالکیت فکری را به جهت عدم تأیید شارع نمی‌پذیرد،^{۲۸} بهره‌برداری‌های مردم از آثار یک اصل است نه استثنا و جامعه با استناد به سلطه سنتی خود بر مالی که به او منتقل گردیده می‌تواند از آن بهره‌برداری نماید. علاوه بر این، در قرآن و سنت نیز نشانه‌هایی از دسترسی عموم به اثر قابل مشاهده است چنانچه آیه «إن الذین یکتُمون بما انزلنا من البینات و الهدی من بعد ما بیناه للناس فی الکتاب اولئک یلعنهم ... و یلعنهم اللاعنون؛ بی‌تردید کسانی که نشانه‌های روشن و وسیله هدایتی را که فرو فرستاده‌ایم، بعد از آنکه آن‌ها را در کتاب برای مردم بروشنی بیان کرده‌ایم، پوشیده می‌دارند، خدا و همه لعنت‌کنندگان، آنان را لعنت می‌کنند.» (بقره: ۱۵۹) و احادیثی از پیامبر اعظم (ص) که می‌فرمایند هر کس دانشی را بداند و آن را کتمان کند روز قیامت با افساری از آتش آورده می‌شود (یزدانی، ۱۳۸۱ ش.) یا زکات علم، نشر آن است، ممانعت از دسترسی جامعه به آثار ادبی و هنری غیر قابل پذیرش بوده و امری تلقی می‌شود که شارع مقدس به آن راضی نخواهد بود. به این ترتیب، به نظر می‌رسد با عنایت به مبانی فقهی و شرعی در ضرورت دسترسی عمومی به اثر، نباید پذیرش حق مصرف‌کننده در نظام حقوقی ایرانی با دشواری‌های ناشی از به رسمیت‌شناختن حق انحصاری مؤلفان همراه باشد.

۵- ابتکارات فردی مصرف‌کنندگان

مصرف‌کنندگان در تلاش هستند با تغییر الگوی قراردادی در دستیابی به آثار، بهره‌برداری آزادانه را تأمین نمایند، این رویکرد که به همکاری مؤلفان نیز نیازمند بوده

است در جهان نرم‌افزارها و در برخی زمینه‌های دیگر ادبی و هنری اعمال می‌گردد. این قراردادها که به کپی‌لفت^{۲۹} شهرت دارند، مبتنی بر یک مجوز بهره‌برداری هستند که با توافق مؤلف و کاربر منعقد می‌شود، اما اساس این قرارداد بر آن نهاده شده که فرد قبول‌کننده مجوز قادر است آزادانه به استفاده، اصلاح و توزیع اثر مبادرت ورزد. بنابراین این مجوز تلاش می‌کند بخشی از حقوق مالکیت ادبی و هنری را به مصرف‌کننده (دریافت‌کننده اثر) منتقل نماید و یا حتی اگر بتواند همه حقوق خالق اثر را به مصرف‌کننده واگذار کند.^{۳۰} این رویکرد قادر است که به ترویج جریان علمی کمک شایانی را انجام دهد چه امکان اصلاح و توزیع اثر می‌تواند به انتقال اثر از کاربری به کاربر دیگر منجر شود و در این بین، اثر می‌تواند با دانش و تجربه متخصصان و علاقه‌مندان متعددی درهم آمیزد و به گوه‌ری ناب مبدل شود.^{۳۱} بنابراین در شرایط کنونی، مصرف‌کنندگان جدید در تعقیب قراردادهای اخیر هستند و تمایل دارند که با تکیه بر مجوزهای بهره‌برداری در حقوق مالکیت ادبی و هنری اثر شریک شده، آن را اصلاح نمایند یا اثر اشتقاقی تولید نمایند و سپس این حقوق را به افرادی که تمایل دارند اعطا کنند. کپی‌لفت مبتنی بر ابزارهای حقوقی متعارف نیست و اساساً تابع نظامی است که خود تعریف و تفسیر می‌کنند. از این رو است که منشأ دعاوی حقوقی چندانی نیز نمی‌شوند و در واقع، گنجینه‌ای در برابر همگان نمایش داده می‌شود که هر کس به میزان قابلیت خویش از آن بهره می‌گیرد و مجوزگیرندگان قادر هستند که بعضی حقوق انحصاری را اعمال نمایند یا عملاً هر آنچه را که میل دارند با اثر نمایند. به عبارت دیگر این بدان معنا است که مالکان آثار ادبی و هنری در اقدامی فداکارانه، اموال خود را برای همیشه به جامعه تقدیم می‌کنند و در این میان است که حقوق مالکیت ادبی و هنری در بعضی جهات مانند توزیع و اعطای مجوز مجدد و محدودکردن اصلاح اثر و خلق آثار اشتقاقی تعدیل می‌شوند، اگرچه معمولاً حق حرمت نام مؤلف حفظ می‌شود.

نتیجه‌گیری

حقوق مالکیت ادبی و هنری بر اساس دیدگاه‌های مؤلف‌محور ایجاد شده و این گرایش سنتی تاکنون ادامه داشته است، در این میان اگرچه قانونگذاران ملی و بین‌المللی، مقرراتی را در قالب محدودیت‌ها و استثنائات وارد بر حقوق انحصاری تعریف و تبیین نموده‌اند، اما این مقررات عملاً به جهت نیروی فوق‌العاده صاحبان حق در اعمال تدابیر فنی و حقوقی خنثی می‌گردد. به عبارت دیگر این مقررات زمانی اجرا می‌گردند که صاحبان حق بر خلاف آن تدبیر نکرده باشند. بنابراین این امر موجب گردیده است که نظام حقوق انحصاری که اساساً برای خدمت به تولید علم ملی و منافع عمومی ایجاد شده است از اهداف عالی خود باز بماند. با این وجود نیازهای مصرف‌کنندگان و ظهور فناوری‌های جدید موجب گردیده است که در شرایط کنونی گروه‌های جدیدی از مصرف‌کنندگان ظهور یابند که تلاش می‌نمایند عدالت را در نظام حقوقی اعمال نمایند و تبلور قراردادهای کپی‌لفت از آن زمره به شمار می‌آیند، اما متأسفانه تلاش‌های مصرف‌کنندگان با عنایت به عدم الزام‌آور بودنشان قادر نیست به ورود جدی منافع عمومی در نظام حقوق مالکیت ادبی و هنری منجر شود. بنابراین تحقق موازنه منطقی و ایجاد عدالت میان منافع عمومی و حقوق مؤلفان به دخالت قانونگذار و بصیرت قضائی دادگاه‌ها نیاز دارد تا با دریافت مفهوم غائی نظام حقوق مالکیت فکری به تدوین مقررات و دادرسی بپردازند. از این رو، توصیه می‌شود با تهیه سیاست‌های کلان حوزه حقوق مالکیت فکری، رویکرد ملی نسبت به آثار علمی، ادبی و هنری روشن گردد و افق تقنینی و قضائی مشخصی در برابر مقامات مربوطه ترسیم شود.

پی‌نوشت‌ها

۱. به طور مثال به موجب ماده ۳ قانون حمایت حقوق مولفان و مصنفان و هنرمندان مصوب سال ۱۳۴۸ حقوق پدیدآورنده شامل حق انحصاری نشر و پخش و عرضه و اجرای اثر و حق بهره‌برداری مادی و معنوی از نام و اثر او است.
 ۲. به طور مثال به موجب ماده ۵۱ قانون اجرای سیاست‌های ابلاغی اصل ۴۴ قانون اساسی، حقوق و امتیازات انحصاری ناشی از مالکیت معنوی نباید موجب نقض مواد ۴۴-۴۸ این قانون شود. در این صورت شورای رقابت اختیار خواهد داشت یک و یا چند مورد از تصمیمات زیر را اتخاذ کند:
 - الف - توقف فعالیت و یا عدم اعمال حقوق انحصاری از جمله تحدید دوره اعمال حقوق انحصاری.
 - ب - منع طرف قرارداد، توافق و یا مصالحه مرتبط با حقوق انحصاری از انجام تمام و یا بخشی از شرایط و تعهدات مندرج در آن.
 - ج - ابطال قراردادها، توافق‌ها و یا تفاهم مرتبط با حقوق انحصاری در صورت مؤثرنبودن تدابیر موضوع بندهای الف و ب.
- (مواد ۴۴-۴۸ قانون مذکور در خصوص اخلال در رقابت است.)

3. Last visit 12/12/2011.

۴. ایران به عضویت سازمان تجارت جهانی در خواهد آمد و احتمالاً کنوانسیون برن و سایر معاهدات را خواهد پذیرفت.
۵. به موجب ماده ۷ قانون حمایت حقوق مولفان و مصنفان و هنرمندان، نقل از آثاری که انتشار یافته و استناد به آن‌ها به مقاصد ادبی، علمی، فنی، آموزشی و تربیتی است، در قالب انتقاد و تقریظ با ذکر ماخذ و در حدود متعارف مجاز است.
۶. به موجب ماده (۱) ۱۰ کنوانسیون برن، نقل قول از آثاری که قبلاً به طور مجاز در اختیار عموم قرار گرفته مجاز است مشروط بر این که استفاده از نقل قول جنبه منصفانه داشته باشد و با توجه به هدف مورد نظر قابل توجیه باشد.
۷. به موجب ماده ۳۳ قانون حقوق مربوط به آثار هنری و فکری ترکیه، اجرای آثار منتشرشده در مؤسسات آموزشی به منظور آموزش حضور مشروط بر آنکه غیر انتفاعی باشد مجاز است.

8. Limitations & Exceptions

۹. برای مطالعه تفصیلی در خصوص اقسام محدودیت‌ها و استثنائات و تفاسیر مربوطه، به مقاله دیگر نگارنده با عنوان «تعدیل قلمرو حقوق مالکیت ادبی و هنری در نظام حقوقی کنونی»، مجموعه مقالات

همایش مالکیت ادبی و هنری و حقوق مرتبط، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، دی ۱۳۸۹، صص ۹۷-۱۶۵، مراجعه نمایید.

۱۰. برای مطالعه تفصیلی در خصوص معیار سه گام، به مقاله دیگر نگارنده با عنوان «سه گام؛ آزمونی فراروی مصرف‌کنندگان آثار ادبی و هنری»، مجله تحقیقات حقوقی دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۶۱، بهار ۱۳۹۲، صص ۲۴۸-۲۰۹ مراجعه نمایید.

11. WT/DS/R, 160

۱۲. ر.ک شاکری، زهرا، (۱۳۸۹ ش.).

13. Time – Shifting

14. VCR

15. Section 111 of the Copyright Act 1968.

16. Replay TV

17. Clear play

18. The Family Entertainment and Copyright Act 2005(US) (family movie).

19. Space - Shifting

20. Share

21. Peer

22. A & M Records, Inc v. Napster, Inc, 2001.

23. World Blind Union Manifesto for the World Summit on the Information Society, 2003.

24. European Commission, Consumer Protection in the European Union. Ten Basic Principles, Brussels, 2005.

25. Fair Use

۲۶. امام خمینی (ره) در تحریرالوسیله در بحث مسائل مستحدثه با اشاره به مسأله مورد بحث می‌فرماید: آنچه که معروف به حق طبع نزد افراد است حق شرعی به شمار نمی‌آید و زایل نمودن سلطه مردم بر اموالشان بدون این‌که شرط و عقدی در بین باشد جایز نیست و مجرد نوشتن جمله «حق چاپ و تقلید محفوظ است» حقی به وجود نمی‌آورد و التزام دیگران را به دنبال ندارد. پس افراد می‌توانند آن را چاپ و تقلید نمایند و کسی نمی‌تواند آن‌ها را از این کار منع کند و نیز آنچه که معروف است به «ثبت اختراع» برای مخترعش و منع دیگران از تقلید او و تکثیرنمودن آن اختراع هیچ اثر شرعی ندارد و نمی‌توان افراد را از تقلیدنمودن آن اختراع و تجارت و کسب‌کردن با آن منع کرد و هیچ کس حق ندارد دیگری را از سلطنت در اموال خودش منع کند و نیز آنچه که معروف است از «انحصاری‌بودن تجارت یک شی یا اشیا» برای مؤسسه‌ای یا تعدادی از تجار یا مانند این‌ها هیچ اثر شرعی ندارد و بازداشتن

دیگران از تجارت و صنعت حلال و محصوردانستن در حق چند نفر جایز نمی‌باشد و نیز قیمت‌گذاری بر اجناس و بازداشتن مالککش از بیشتر فروختن جایز نیست. البته برای امام و والی مسلمین این حق است که چنانچه صلاح می‌داند در امور مسلمین از قیمت‌گذاری بر جنس و صنعت و انحصار تجارت یا غیر آن و هر آنچه را که برای نظم و صلاح جامعه مفید است انجام دهد.

۲۷. امام خمینی (ره). (۱۴۰۸ ق.). تحریر الوسیله. دارالمکتبه العلمیه، ج ۲، صص ۶-۶۲۵.

۲۸. آیت‌الله صافی گلپایگانی معتقدند: حق طبع، حق تألیف و حق اختراع را به مفهومی که در قوانین موضوعه جدید تعریف شده است، حقیر نتوانسته‌ام با احکام اسلامی تطبیق نمایم، از جمله عقود معاملات هم نیست تا بتوان به عموم بعض ادله مثل «ارفاو بالعقود» تمسک کرد و اگر گفته شود این حقی است عرفی، چنانچه حقوق عرفی مانند حق تحجیر و حق السبق به علت عدم ردع شارع استکشاف رضایت می‌کنیم، باید گفت: عدم ردع نسبت به حقوق عرفی که در زمان شارع متعارف بوده است دلیل بر امضای مشروعیت آن‌ها می‌باشد، اما از آن مثل ادله لفظیه، اطلاق و عموم استفاده نمی‌شود در زمان شارع مقدس هم تألیف و اختراع و ابتکار بوده است، اما برای مولف و مبتکر و مخترع و محقق حقی اعتبار نمی‌شده و شارع هم اعتبار نفرموده است و به عبارت آخری، بنا بر «عدم اعتبار» بوده، ولو به این معنا که چون مورد التفات و توجه نبوده است، آثار مترتب بر آن شرعیت نداشته و شارع هم با عدم تشریح این حق به روش عرف را امضا کرده است بناء علی کل ما ذکر، مشروعیت حقوق مذکور را ثابت نمی‌دانیم و هرچند ترتیب برخی آثاری که بر این حقوق مترتب می‌گردد به طور شرط در ضمن عقد امکان‌پذیر است، اما مقاصد مهمی را که ارباب دعوی این حقوق دارند، با شرط نمی‌توان تأمین نمود. راهی که تا حدی می‌تواند بعض اغراض صحیحی را که در اعتبار این حقوق در نظر است فراهم سازد، این است که فقیه جامع‌الشرایط که بر حسب ولایت باید مصالح عامه را در نظر بگیرد به طور موردی نسبت به هر اختراع یا طبع یا تألیف طبع یا تقلید از آن اختراع یا تألیف را تا مدت معینی محدود سازد بدیهی است که این برنامه‌ای است که مقصود در حقوق نمی‌شده، بلکه شامل مطلق مشاغل می‌گردد و کل آن در محدوده ولایت فقیه اجرا می‌شود. لطف‌الله صافی، فصلنامه رهنمون، مدرسه عالی شهید مطهری، (۱۳۷۱ ش.). شماره ۲ و ۳، صص ۹-۲۰۷.

29. Copyleft

۳۰. اصطلاح کپی‌لفت برای نخستین بار در می ۱۹۷۶ توسط لی چن وانگ استعمال شد، تا آن هنگام در آثار ادبی و هنری مرسوم بود که از عبارت «کلیه حقوق محفوظ است» استفاده می‌نمودند، اما ناگهان در بعضی از آثار عبارت جدیدی مشاهده می‌شود که تصریح می‌نماید «کلیه اشتباهات محفوظ است».

۳۱. مثال معروف در این زمینه سایت ویکی‌پدیا است که هر اثر موجود در آن با مساعدت گروه‌های متعددی از کاربران تکمیل می‌گردد.

فهرست منابع

الف - فارسی:

شاگری، ز. (۱۳۸۹ ش.). *تعدیل قلمرو حقوق مالکیت ادبی و هنری در نظام حقوقی کنونی*. مجموعه مقالات همایش مالکیت ادبی و هنری و حقوق مرتبط، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، صص ۹۷-۱۶۵.

قانون اجرای سیاست‌های ابلاغی اصل ۴۴ قانون اساسی، مصوب ۱۳۸۷ ش.

قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات، مصوب ۱۳۸۷ ش.

قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان، مصوب سال ۱۳۴۸ ش.

یزدانی، ع. (۱۳۸۱ ش.). *حق مؤلف در اندیشه‌های فقه‌های معاصر امامیه*. فصلنامه کتاب‌های اسلامی. سال سوم، ش ۹، صص ۵۴-۳۷.

ب - عربی:

خمینی، ر. (ه). (۱۴۰۸ ق.). *تحریر الوسیله*. دارالمکتبه العلمیه، ج ۲، صص ۶-۶۲۵.

ج - لاتین:

A & M Records, Inc v. Napster, Inc 239 F 3d 1004. (2001).

Bateman v. Mnemonics, Inc., 79F.3d1532. (1996).

Bonadio, E. (2011). File sharing, Copyright and freedom of speech. *European Intellectual property Review*. 2-21.

Cohen, J. (2005). Intellectual property and public values, the place of the user in copyright law. *Fordham Law Review*. 74: 347-9.

Council Directive 91/250/EEC of 14 May 1991 on the legal protection of computer programs, OJ L122, at 42-46 (17 may 1991). The Directive has meanwhile been codified: 2009 /24 of 23 April 2009 on the legal protection of computer programs, OJ L 111, at 16. (2009).

Directive 96/9/EC of the European parliament and of the Council of 11 March 1996 on the legal protection of databases, OJ L 77, at 20 -28. (1996).

Entrance Examination Board v Cuomo, 788 F.Supp.134 (N.D.N.Y.1992).

European Commission, Consumer Protection in the European Union. Ten Basic Principles, Brussels. (2005).

Geiger, C. (2004). *Der Interessenausgleich im Urheberrecht - Teil 2: Die Thesen, Tagung des Max Planck Instituts für Geistiges Eigentum in Berlin vom.* 4-6.

Ginsburg, J. (2001). Towards Supranational copyright law? The WTO panel: three – step test for copyright exceptions. *Revue internationale du droit d auteur.* 1-16.

Last amended Law No. 5728 of 23.01. (2008).

Law on Intellectual and Artistic works, Law No. 5846 of 5.12. (1951).

Liu, JP. (2003). Copyright Law's Theory of the Consumer. *Boston College Law Review.* 44: 397-431.

Mulholland Drive, French Supreme Court, February 28, 2006, (2006) 37 I.I.C. 760, reversing Paris Court of Appeal, April 22, 2005, (2006) 37 IIC. 112.

Peukert, A. (2009). *A bio polar copyright system for the digital network environment, peer to peer file sharing and secondary liability in copyright law (book), Edited by Alain Strowel, Edward Elgar publishing.* 1-16.

Samuelson, P. (2006). The Generativity of Sony v. universal: The Intellectual property legacy of Justice Stevens. *Fordham Law Review*. 74 (4): 1831-76.

Sony corporation of America V. Universal city studios, Inc, 464 US 417 (1984) Home Recording rights coalition (2005) HRRC Urges Passage of Betamax Codification: Bill would promote user freedom under DMCA.

Sun, H. (2011). Fair use as a collective user right. *North Carolina Law Review*. 90: 126-201.

The Agreement on Trade Related Aspects of Intellectual Property Rights (TRIPS). (1994).

The Berne Convention for the Protection of Literary and Artistic Works. (1886).

زهرا شاکری

The Family Entertainment and Copyright Act 2005 (US) (Family movie). (2005).

Tribunal de Grande Instance de Paris, 3^e ch, 23 Feb 1999 (*Fabris v. France* 2), *Le Dalloz* 1999. 38: 583.

Universal Declaration of Human Rights, G.A. res. 217A (III), U.N. Doc A/810 at 71. (1948).

World Blind Union Manifesto for the World Summit on the Information Society. (2003).

WT/DS160/R, Report of panel, WTO. (2000).

یادداشت شناسه مؤلف

زهرا شاکری: استادیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی (مؤسسه حقوق تطبیقی) دانشگاه تهران، تهران، ایران.

پست الکترونیک: zshakeri@ut.ac.ir

The status of Public interests in the Copyright

Zahra.Shakeri

Abstract

Copyright grants the monopoly to encourage the production of Literary and artistic works. But the advent of new technologies, promotion of human rights concepts and changes in the legal foundations has been modified the monopoly position and Public interests in Copyright system should be revised. In general, traditional limitations and exceptions in national laws of intellectual property law is a response to public needs but there isn't effective. Therefore, a reasonable balance between the needs of the public interest and the incentive for authors and artists is vital. This article attempts to study the structure of Copyright and reviews public interests and challenges and provides appropriate recommendations.

Keywords

Copyright, Public Interests, Exclusive Rights, Authors, Balance